

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۱

تاریخ تصویب: ۹۷/۱۲/۰۹

صفحات: ۱۷۷ - ۱۵۳

بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران

سعید آجورلو

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید توسلی رکن‌آبادی

دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نویسنده مسئول، ایمیل: tavasoli@gmail.com

عباس ملکی

دانشیار سیاستگذاری انرژی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

صادق زیباکلام

استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

در این مقاله تأثیر گفتمان‌های سیاست داخلی بر عملکرد جریان‌های سیاسی در مذاکرات هسته‌ای بررسی خواهد شد. فرضیه نویسنده مقاله این است که اعتقاد گفتمان اصلاح طلبی به تنش‌زدایی و توسعه سیاسی موجب شده تا این گفتمان مخالف چالش برای پیشرفت در فناوری هسته‌ای باشند. در مقابل، اصول‌گرایان انرژی هسته‌ای را نماد مقابله و مقاومت مقابل غرب می‌دانند. اعتدال‌گرایان نیز به واسطه اعتقاد به توسعه اقتصادی و همکاری با نظام جهانی، موافق اعتماد سازی با غرب برای حل مساله هسته‌ای هستند. ضمن اینکه آرایش نیروهای سیاسی داخل نظام براساس اعتقاد به برجام یا مخالفت با برجام سنجیده می‌شود. به منظور آزمون فرضیه مزبور، ضمن مرور برخی تئوری‌ها، ابعاد اندیشه‌های جناح‌های اصلی سیاست ایران براساس نظریه گفتمان بررسی خواهد شد و سپس، عملکرد آن‌ها در زمینه مذاکرات هسته‌ای ارزیابی خواهد شد.

مناقشه هسته‌ای ایران موجب پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی گردید به نحوی که فراز و نشیب این پرونده موجب تغییرات در آرایش نیروهای سیاسی داخلی نظام شد. برخی از اصول‌گرایان را به اعتدال‌گرایان نزدیک کرد و موجب شد شکاف بزرگی میان اصول‌گرایان شکل بگیرد. مناقشه هسته‌ای موجب شکاف‌های بزرگی در سیاست ایران شد. از فاصله گرفتن روحانی و اصول‌گرایان تا نزدیک شدن امثال دکتر ولایتی و دکتر لاریجانی به طیف اعتدالی. بر این اساس می‌توان این نتیجه را از مقاله حاضر گرفت که مناقشه هسته‌ای موجب تبدیل شدن جدال چپ و راست به جدال برجامیان / نابرجامیان در سیاست ایران گردید و چپ و راست جدید در عرصه سیاست ایران شکل گرفت.

واژگان کلیدی: گفتمان، اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی، اعتدال، مذاکرات هسته‌ای، پرونده هسته‌ای ایران.

مقدمه

در ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۴ دو طرف مذاکره در وین به نتیجه رسیدند تا شبح عدم توافق از سر محمد جواد ظریف به عنوان رییس تیم چهارم مذاکره کننده هسته‌ای که درباره ارتباط گفتمان‌های سیاست داخلی ایران با سیاست‌های غرب تاکنون صریح‌ترین سخنان را گفته است، برداشته شود؛ تا محمد جواد ظریف اینگونه رسیدن به برجام را روایت کند: «حضور مردم در انتخابات سال ۹۲ ریاست جمهوری مذاکرات را به ثمر رساند... حضور مردم پای صندوق رای باعث شد تا طرف مقابل از تحمیل اراده‌اش بر مردم ایران ناامید شود.» (سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴/۵/۱۸) روایتی که سیاست خارجی را به سیاست داخلی پیوند می‌زند. داستانی که از سال ۸۱ آغاز و اکنون به پایانش رسیده است. داستانی که اگر مذاکرات تیم اول هسته‌ای را ابتدای آن بدانیم و مذاکرات تیم دوم و سوم را میانه‌اش، اکنون به نقطه پایانی رسیده است. خطی که می‌توانست میانه‌روهای ایران و غرب را در قالب بیانیه سعدآباد و بعد توافق پاریس به هم وصل کند، ابتدا توسط بوش پسر در آمریکا و مدتی بعد توسط محمود احمدی‌نژاد در تهران پاره شد تا مساله هسته‌ای، غرب و ایران را طی دهه اخیر بیشتر از همیشه از یکدیگر دور کند و سیاست داخلی و خارجی را به هم پیوند زند. شاید اکنون بتوان گفت که مساله هسته‌ای نه فقط موضوعی دیپلماتیک یا حقوقی و حتی سیاسی که جنبه‌های گفتمانی و جامعه شناختی نیز پیدا کرده و حول آن می‌توان انواع گفتمان‌های سیاسی را تصور کرد: گفتمان اصلاح طلب، اعتدال و اصولگرایی. سه گفتمان اصلی سیاست رسمی در ایران که در طول دهه گذشته هر یک به نحوی در دو سطح نظری و عملی بر دیپلماسی هسته‌ای تاثیر گذاشته‌اند.

در این مقاله به منظور نائل شدن به هدف پژوهش که ارتباط برقرار کردن میان عملکرد تیم‌های مذاکره کننده و ریشه‌های فکری آن‌ها می‌باشد، این فرضیه تدوین شده است: اصلاح طلبان با گفتمان اصلاح طلبی رویکرد تنش‌زدایی در مساله هسته‌ای را عاملی برای حرکت به سمت دموکراتیک شدن و توسعه سیاسی، میانه‌روها با گفتمان اعتدال رویکرد اعتمادسازی و مصالحه جویانه را عاملی برای توسعه اقتصادی و هماهنگی با ساختار نظام بین‌الملل و اصول‌گرایان با گفتمان اصول‌گرایی رویکرد سرسختانه در حفظ فناوری هسته‌ای را عاملی برای ایستادگی و مقاومت مقابل غرب و تثبیت قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران می‌دانند. در واقع، فرضیه مقاله به دنبال تاثیرگذاری گفتمان‌های مختلف به عنوان متغیر مستقل بر رویکرد هسته‌ای نیروهای مختلف سیاسی در عرصه نظر و عمل است. به همین منظور، پس از بحث

_____ بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ۵
پیرامون برخی تئوری‌ها به واسطه اینکه از نظر متدولوژیک از روش گفتمان استفاده شده است، ویژگی‌های گفتمان‌های سه‌گانه را بحث می‌کنیم. سپس، به تاریخ اداره پرونده هسته‌ای می‌پردازیم. در نهایت، ضمن تقسیم‌بندی طیف‌های مختلف پیرامون مساله هسته‌ای به اثبات فرضیه که از ارتباط برقرار کردن میان این گفتمان‌ها و رویکردهای عملی و نظری گروه‌های سیاسی در مساله هسته‌ای می‌گذرد، می‌پردازیم.

چارچوب نظری

برای سامان دادن به فرضیه لازم است تا از چند نظریه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌الملل بهره گرفته شود. مهمترین آن‌ها نظریه گفتمان^۱ لاکلا و موف است که به واسطه آن می‌توان گفتمان‌های مورد اشاره را مورد بحث و بررسی قرار داد. ارنستو لاکلا^۲ و شنتال موف^۳ با استناد به نظریه گفتمان فوکو نظریه پست پوزیتیویستی خود را ارائه دادند و ادبیات پست مدرن فوکو را به نقد نظام سلطه پیوند زدند تا چپ نو گامی به جلو برداشته باشد. از نظر این دو، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و فهمیده شدن باید درون نظام گفتمانی قرار گیرند. «هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که به سایر پدیده‌ها معنا و هویت بخشد، بلکه هویت هر چیز در شبکه هویت‌های دیگری که با هم مفصل‌بندی^۴ شده‌اند، کسب می‌گردد» (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۹۸) در نظریه لاکلا و موف، گفتمان عبارت است از «کلیت ساختاردهی شده که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود». (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۹۹) از نظر آن‌ها، این گفتمان‌ها هستند که تصورات از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. مفصل‌بندی در این نظریه عبارت است از: «هر عملی که میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان ارتباط برقرار کند؛ به نحوی که هویت این عناصر اصلاح و تعدیل شود». (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۹۹) از دیگر مفاهیم نظریه لاکلا و موف، قابلیت دسترسی^۵ و اعتبار^۶ است. مفهوم قابلیت

-
۱. Discourse
 ۲. Ernesto Laclau
 ۳. Chantal Mouffe
 ۴. Articulation
 ۵. Availability
 ۶. Credibility

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

دسترسی معین می‌کند که چگونه در زمان بحران بعضی گفتمان‌ها با شرایط بهتری روبه‌رو می‌شوند. قابلیت اعتبار میزانی است برای نسبت میان اصول پیشنهادی گفتمان با اصول اساسی آن گروه اجتماعی. دال مرکزی^۱ و دال شناور دو مفهوم مهم دیگر نظریه گفتمان هستند. براساس تعریف، «دال مرکزی به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه به حالت انجماد درآمده است ولی دال شناور به حالتی دلالت می‌کند که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت برای تثبیت معنا شناور و معلق است». (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۰۵) ضدیت و خصومت^۲ از محورهای نظریه گفتمان تلقی می‌شود. براساس ضدیت، نوعی رابطه خصمانه منجر به تولید یک دگر می‌شود. «از آن جایی که نظریه گفتمان با جوهرگرایی و ذات‌گرایی سازگاری ندارد، حضور دیگری است که می‌تواند در شکل دادن به هویت موثر افتد». (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۰۵)

آنچه به طور مجمل مورد بحث قرار گرفت، مربوط به نظریه گفتمان لاکلا و موف بود که در این مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آغاز فعالیت هسته‌ای ایران

بسیاری سال ۱۳۳۵ را شروع فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌دانند. در این سال توافقنامه‌ای میان ایران و آمریکا به امضا رسید که از یازده ماده تشکیل شده بود و به ایران اجازه استفاده غیرنظامی از انرژی هسته‌ای را می‌داد. این توافق بعدها منجر به تأسیس مرکز تحقیقات اتمی تهران در سال ۱۳۳۸ شد.

فعالیت‌های هسته‌ای ایران که بخشی از پروژه مدرنیزاسیون شاه بود به قدری گسترش یافت که در اواسط دهه ۵۰ بودجه سالانه سازمان انرژی اتمی به ۱/۳ میلیارد دلار رسید. (Milani, ۲۰۱۰)

تنش هسته‌ای چگونه آغاز شد؟

اگر بخواهیم زمان آغاز مناقشه هسته‌ای را تعیین کنیم باید بگوییم ۲۳ مرداد ۱۳۸۱. زمانی که یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق که سابقه دشمنی فراوان با دولت ایران را دارد از

۱. Nodal Point
۲. Antagonism

_____ بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ۵

فعالیت‌های مخفیانه هسته‌ای ایران در اصفهان، نطنز و اراک خبر داد. در حالی که تنها در نطنز ایران بدون اطلاع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت می‌کرد و اصفهان و اراک تحت نظارت آژانس بود. از این زمان بود که رفته رفته حساسیت آژانس بیشتر و برنامه هسته‌ای ایران تبدیل به برنامه غیر عادی شد. در نهایت این روند به بیانیه شورای حکام آژانس منجر شد. مبنای بیانیه، گزارش البردعی بود که در برخی موضوعات ایران را متهم می‌کرد.

بعد از کش و قوس‌های فراوان حسن روحانی به‌عنوان حد فاصل دو جناح راست و چپ سیاست ایران مدیریت پرونده هسته‌ای را در اختیار گرفت. اولین اقدام تیم جدید هسته‌ای بیانیه تهران بود. بیانیه‌ای که برای اصلاح‌طلبان این حسن را داشت که وارد مسیر پرسنگلاخ با غرب نشوند و برای میانه‌روها اعتبار حل مسأله هسته‌ای ثبت شود در حالی که این بیانیه موجب خشم اصول‌گرایان شد.

بیانیه‌ای که موضوع اصلی آن تعلیق غنی‌سازی اورانیوم بود و آن طور که حسین موسویان می‌گوید مورد تایید مقامات ارشد نظام قرار گرفت؛ «آقای روحانی در تماس با رئیس‌جمهور و بیت رهبری شرایط مذاکرات را برای آن‌ها شرح داد. بعد از بیست دقیقه گفتگوی تلفنی، رئیس‌جمهور و بیت رهبری با پیشنهاد فوق موافقت کردند... آن‌ها پذیرفتند ایران مطابق تعریف البردعی و نه فراتر از آن به صورت موقتی و داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم را تعلیق کنند.» (موسویان، ۱۳۹۴: ۱۶۳)

حسن روحانی هم در کتاب خود تعامل با سران نظام درباره بیانیه تهران را تایید می‌کند با این تفاوت که برای تعلیق غنی‌سازی اجازه‌ای از رهبری دریافت نمی‌کند؛ «سپس با دفتر مقام معظم رهبری تماس گرفتم و خواستم تا مباحث مطرح شده و شرایط به وجود آمده را به رهبر معظم انقلاب منتقل کنند و اگر ایشان نظر خاصی دارند فوراً به من منتقل شود اما پاسخی دریافت نشد.» (روحانی، ۱۳۹۲: ۱۸۹)

جمع‌بندی همکاری هسته‌ای ایران در قالب بیانیه تهران به همراه شبهه‌های پیش آمده در کالا الکترونیک و نطنز در قطعنامه آبان ۱۳۸۲ شورای احکام بازتاب یافت. قطعنامه‌ای که ضمن استقبال از همکاری ایران در پذیرش پروتکل الحاقی و تعلیق غنی‌سازی از قصورهای ایران در همکاری‌های پادمانی گلایه کرد که این می‌توانست راه را برای فرستادن پرونده ایران به شورای امنیت باز کند.

گویا طرف غربی و به ویژه آمریکا از البردعی خواسته بود که فشار بیشتری بر ایران وارد

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
کند؛ «یک تعریف کاملاً فنی مستلزم تعلیق تزریق مواد هسته‌ای به آبشار سانترفیوژهای غنی‌سازی بود... اما اروپایی‌ها خواهان تعریف وسیع‌تری بودند.» (ElBaradei, ۲۰۱۱: ۱۴۰)
در نهایت اما مذاکرات بیشتر به توافق بروکسل انجامید. یکی از تحولات مهم درباره برنامه هسته‌ای، قطعنامه شهریور ۱۳۸۳ بود. در این قطعنامه نسبت به غنی‌سازی ایران هشدار داده شده بود. از تزریق ۳۷ تن کیک زرد به تأسیسات تبدیل اورانیوم اصفهان ابراز نگرانی شده بود و از ایران خواسته شد که تأسیسات آب سنگین اراک را نسازد.

با اتمام دولت اصلاح‌طلبان و روی کار آمدن احمدی‌نژاد مشخص بود که راه آن‌ها از یکدیگر جداست. علی لاریجانی به دبیری شورای عالی امنیت ملی رسید. او و احمدی‌نژاد در یک تصمیم مشترک بودند و آن هم آغاز غنی‌سازی و سپس انجام مذاکره بود.
شورای حکام نیز به روال قدیمی قطعنامه‌ای در ۲۸ شهریور ۱۳۸۴ علیه ایران صادر کرد و ایران را تهدید کرد که در صورت عدم همکاری پرونده‌اش به شورای امنیت خواهد رفت. در تاریخ ۳۱ شهریور به طور روشن مواردی که ایران را به شورای امنیت می‌کشاند توضیح داده شده بود. رفتن پرونده اتمی ایران به شورای امنیت نقطه عطف مهمی بود. با این حال نخستین بیانیه شورای امنیت اما در ۸ فروردین ۱۳۸۵ به صورت غیر الزام‌آور صادر شد.

رسیدن به فرمول ۱+۵

پس از بالا رفتن شعله‌های آتش بحران، تروئیکای اروپایی پیشنهادی مطرح کردند که در آن از غنی‌سازی در خاک روسیه حمایت می‌شد. طرحی که خواسته ایران را نمی‌توانست تأمین کند. در حالی که مذاکرات به بن بست رسیده بود اما ناگهان آمریکا برای شرکت در مذاکرات هسته‌ای اعلام آمادگی کرد. فرمول جدید که ۱+۵ بود جای EU۳ را گرفت.
فایننشال تایمز در این باره نوشت که آمریکا یکی از بزرگترین ریسک‌ها را در سیاست خارجی خود انجام داده است. (Financial Times, June ۱, ۲۰۰۶)
آتش آرمان گرایی احمدی‌نژاد امان را از عمل گرایی لاریجانی بریده و راه را برای توافق هسته‌ای بسته بود.

در همین ایام سومین قطعنامه شورای امنیت صادر شد. در ۲ دی ۱۳۸۵ قطعنامه ۱۷۳۷ مبتنی بر ماده ۴۱ منشور سازمان ملل به صورت لازم الاجرا تصویب شد. نقطه تمرکز این

_____ بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ۵

قطعه‌نامه بر غنی‌سازی به منظور فعالیت نظامی بود اتهامی که ایران آن را رد می‌کرد. در ادامه اما لاریجانی با وجود اختلافی که با احمدی نژاد داشت از سمت خود استعفا داد.

بعد از اختلافات روحانی - احمدی نژاد این دومین اختلاف بین نخبگان سیاسی بر سر مسأله هسته‌ای بود که نشان از یک شکاف بزرگ می‌داد. شکافی که آغازش از پرونده هسته‌ای بود.

اکنون که چندین سال از ماجرای رفتن لاریجانی از شورای امنیت می‌گذرد کسی روایت دسته‌اولی از دلایل آن ارائه نکرده ولی به صورت کلی می‌توان گفت که قدرت شخصیت لاریجانی به قدری بود که اجازه نمی‌داد به‌عنوان یک مدیر متوسط با او برخورد شود. گرچه در آن زمان سخنگوی وقت دولت اعلام کرد که «لاریجانی به دلیل مشکلات شخصی استعفا داد.» (خبرگزاری فارس، ۲۸ / ۸ / ۱۳۸۶)

یکی از دستاوردهای لاریجانی در مذاکرات توافق بر یک "طرح کاری" یا "مدالیته" برای پاسخ به "مطالعات ادعایی درباره ساخت سلاح" بود. که مربوط به سانتریفیوژهای P₁ و P₂، پلوتونیوم و معدن گچین می‌شد.

اما این طرح آمریکایی‌ها راعصبانی کرد. مخالفت غرب در رسانه‌های شان هویدا بود تا جایی که سرمقاله نویسن روزنامه واشینگتن پست از البرادعی به عنوان هماهنگ کننده سرکش یاد کرد. و نیویورک تایمز نوشت که او «سرمست قدرت جایزه نوبل، است.» گزارش محمد البرادعی در سوم اسفند ۱۳۸۶ زمینه سومین قطعه‌نامه تحریمی شورای امنیت را فراهم آورد.

در این میان شکاف میان البرادعی و آمریکا کاملاً واضح بود. البرادعی بعدها نوشت که این قطعه‌نامه بدون توجه به یافته‌های من منتشر شد و در پس آن اهداف سیاسی مستقر بود.

(Baradei, ۲۰۱۱: ۲۸۰)

پس از نامه ۵+۱ به ایران در تابستان ۱۳۸۷، مذاکرات بین ایران و ۵+۱ آغاز شد و سعید جلیلی مدالیته جدیدی را ارائه کرده بود

اوباما در کاخ سفید به معنای تغییر استراتژی واشنگتن در قبال جهان بود. اوباما با تئوری قدرت هوشمند ژوزف نای نوعی نرم افزار گرایی را جایگزین سخت افزاز گرایی بوش پسر می‌کرد. در دور جدید مذاکرات هسته‌ای پس از انتخابات سال ۸۸ ایران بسته‌ای را به طرف غربی پیشنهاد داد. واکنش آمریکا اما خیلی سرد بود و حاکی از اینکه به دنبال افزایش تحریم‌هاست.

آنچه کار را برای به نتیجه رسیدن مذاکرات سختتر می‌کرد افشای تأسیسات فردو در

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
شهریور ۱۳۸۸ بود. برای مثال گوردن براون نخست‌وزیر بریتانیا از حزب کارگر گفت: «عمق
فریبکاری حکومت ایران جامعه بین‌الملل را شگفت زده و عصبانی کرده و راه‌حل‌های مورد نظر
ما را سخت‌گیرانه‌تر خواهد کرد.»
نیاز ایران به سوخت برای راکتور تحقیقاتی تهران به جامعه بین‌الملل ارائه شد اما واکنش
خوبی دریافت نکرد و همین موضوع موجب شد در ۱۸ بهمن ۱۳۸۸ تولید اورانیوم ۲۰ درصد
غنی شده در تأسیسات نظنز آغاز شود.
بعد از گزارش آمانو، اوباما موضع سختی علیه ایران اتخاذ کرد و گفت که ایران به دنبال
توسعه ظرفیت خود برای ساخت سلاح هسته‌ای است

بیانیه تهران و قطعنامه ۱۹۲۹

۲۵ مهر ماه ۱۳۸۹ زمانی بود که سه کشور ترکیه، ایران و برزیل برای مبادله سوخت گرد
هم آمدند تا بتوانند تحریم‌های جدید شورای امنیت را به تأخیر بیندازند. این تفاهم در قالب بیانیه
تهران اعلام شد اما با مخالفت آمریکا مواجه گشت تا یکی از آخرین تلاش‌های محمود
احمدی‌نژاد برای حل بحران هسته‌ای بی‌ثمر بماند. اشکال آمریکا به بیانیه تهران این بود که
غنی‌سازی ۲۰ درصدی را در ایران متوقف نمی‌کرد.
شکست بیانیه تهران منجر به صدور سختترین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران شد؛
قطعنامه ۱۹۲۹. پاییز ۱۳۸۹ اما در ژنو مذاکراتی میان سعید جلیلی و کاترین اشتون که جایگزین
خاورسولانا شده بود، برگزار شد.
مجموع مذاکرات جلیلی - اشتون هم به جایی نرسیده تا اینکه دولت یازدهم به قدرت رسید.
روحانی به قدرت رسید تا پرونده هسته‌ای مسئول اولش را دوباره در قامتی بالاتر ببیند. محمد
جواد ظریف مسئول پرونده شد تا این بار راست مدرن به سمت حل مساله هسته‌ای رود.
با حضور حسن روحانی در راس قوه مجریه پرونده بار دیگر به دست او افتاد. رئیس‌جمهور
دوره یازدهم نیز آن را به وزارت خارجه و ظریف محول کرد تا مذاکرات را دنبال کند. ظریف
توانست در گام اول به توافق ژنو دست پیدا کند و در گام‌های بعدی فاز سیاسی آن را در لوزان و
نهایتاً توافق نهایی را در تیرماه ۹۴ به اتمام برساند.

جدال‌های قبل و در حین برجام

شکافی که قبل از انتخابات سر باز کرده بود پس از توافق ژنو کاملاً ابعاد جدیدی پیدا کرد و سراسر فضای سیاسی کشور را فرا گرفت. در حالی که تیم مذاکره کننده هسته‌ای گمان می‌کرد با اجماع داخلی پس از توافق ژنو مواجه خواهد شد اما به یکباره با موج عظیمی از انتقادات روبه‌رو شد که این توافق را در حد ترکمانچای می‌پنداشتند و شمشیر به روی آن کشیدند. این چنین بود که جمع مخالفان توافق هسته‌ای از ژنو تا لوزان و وین جمع شد و در مقابل برجامیان صف آرای می‌گرفت. گروهی که خود را دلواپس مذاکرات می‌دانستند و به دلایل سیاسی، حقوقی و امنیتی به نقد توافق ژنو پرداختند. طبق تئوری پولیاریسی مورد نظر این پژوهش، این گروه سعی کردند به‌عنوان یکی از گروه‌های درون حاکمیت بر نظام سیاسی تاثیر بگذارند و در نگاه حداکثری زمینه توافق هسته‌ای را از بین ببرند و در حالت حداقلی، توافق بد را به یک توافق خوب تبدیل کنند. تولد این گروه که عمدتاً از چهره‌های نزدیک به جبهه پایداری بودند دو قطبی برجامیان / نابرجامیان را وارد فاز تازه‌ای کرد و نقش این گروه را در حد اعتدال گرایان به‌عنوان موافقان توافق هسته‌ای برجسته کرد. دل‌واپسان اما به صورت کلی معتقد بودند که توافق ژنو یک توافق بد و به ضرر ایران است و بر عکس آنچه ظریف و روحانی می‌گویند معامله برد- باخت است نه برد- برد.

در یکی از اولین همایش‌های منتقدان توافق ژنو، الیاس نادران نماینده مجلس می‌گوید که: «آنچه که شنیده می‌شود، حاکی از این است که تیم مذاکره کننده ایرانی از حوزه قدرت و دفاع از تمامیت نظام برخوردار نکرده و همین مساله سبب ایجاد نگرانی و حساسیت‌های اجتماعی شده است.» (خبرگزاری فارس، ۱۴ / ۲ / ۹۳)

فریدون عباسی رئیس سازمان انرژی اتمی در دولت دوم احمدی‌نژاد ضمن دفاع از عملکرد قهرمانانه تیم سعید جلیلی گفت: «اگر بخواهیم عنوان قهرمانی به کسی بدهیم باید به تیم آقای جلیلی بدهیم نه دیگران» (همان) که کنایه‌ای به تیم محمد جواد ظریف قلمداد می‌شد.

مهدی محمدی هم که از منتقدان مذاکرات هسته‌ای محسوب می‌شود درباره توافق با آمریکا گفت: «دلواپسی ما از بابت اساس انقلاب نیست بلکه دلواپسی ما از بابت آن دولتی است که به مردم وعده داده که چرخ زندگی مردم را خواهد چرخاند ولی آن را به پای حیوان چموشی به نام آمریکا گره زده که آن را به ته دره خواهد برد.» (همان)

فواد ایزدی که سال‌ها در آمریکا درس خوانده و از چهره‌های منتقد میانه‌روی در سیاست

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
خارجی محسوب می‌شود هم به انتقاد از توافق با غرب می‌پردازد: «نگرانی که وجود دارد این است که طرف مقابل هم امتیازات را می‌گیرد و هیچ اقدامی برای اجرای تعهدات خود نمی‌کند و این دلواپسی وجود دارد که توافقی که در سعد آباد در سال ۸۲ اتفاق افتاد دوباره تکرار شود.» (همان)

محمد صادق کوشکی اما پا را فراتر می‌گذارد و می‌گوید: «عنوان بی‌سوادی را با افتخار می‌پذیرم تا فردا بی‌شرف نباشیم.» (همان)

سعید زیبا کلام استاد فلسفه علم دانشگاه تهران هم معتقد است که توافق دولت روحانی با ۱+۵، استقلال کشور و انقلاب اسلامی را هدف گرفته است.

به این جمع باید افراد دیگری چون نبویان، کوچک زاده، رسایی، زاکانی، کریمی قدوسی را اضافه کرد که از منتقدان جدی توافق هسته‌ای و برجام بودند.

این دوگانه اما فضای جدید سیاست ایران را ساخت و به جدال اصول‌گرایان چپ‌گرا و اعتدال‌گرایان منجر شد.

در این میان حسن روحانی سکوت نمی‌کرد و با منتقدان خود به تندی سخن می‌گفت تا آتش این جدال شعله ورتر شود. جدالی بین گروه‌های نخبه درون حاکمیت برای تاثیر گذاشتن به تصمیم نهایی نظام سیاسی.

حسن روحانی که خود را نماد اعتدال‌گرایی معرفی می‌کرد در مورد منتقدان چنین گفت: «یک عده به ظاهر شعار می‌دهند ولی بزدل سیاسی هستند و تا حرف مذاکره پیش می‌آید می‌گویند ما می‌لرزیم. به جهنم؛ بروید یک جای گرم برای خود پیدا کنید. خداوند شما را ترسو و لرزان آفریده است.» (سایت خبری فرارو، ۲۰ / ۵ / ۱۳۹۲)

چنین جدالی بود که کار سیاست در ایران را پیش می‌برد و نه تنها فاصله اصول‌گرایان ناب‌گرا را از اعتدالیون بیشتر می‌کرد که به شکاف بیشتر اصول‌گرایان هم منجر می‌شد.

آرایش جدید سیاست ایران پس از امضای برجام و رسیدن به توافق نهایی کاملاً عیان و روشن شد.

مناقشه هسته‌ای ایران به‌عنوان متغیر مستقل بر آرایش نیروهای سیاسی داخل کشور به عنوان متغیر وابسته تاثیر گذاشت و محافظه‌کاران جدید را از دل اصول‌گرایان متولد کرد و آنان را به سمت مرکزی سیاست ایران سوق داد تا ائتلاف راست میانه از جمع میان راست مدرن و راست سنتی شکل بگیرد. برجام مهمترین تاثیرش را در انتخابات مجلس دهم گذاشت و

_____ بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ۵
اصطلاحاً نابرجامیان را از مجلس دهم حذف کرد. آرایش سیاسی قدیم را حذف کرد؛
«.....یعنی آن ساختار کلاسیک سیاست‌ورزی که در ایران می‌شناختیم و آن را تقسیم
می‌کردیم به اصول‌گرا، اصلاح‌طلب و اپوزیسیون و فعالان مدنی به هم ریخته..... می‌بینیم که
بخشی از اصولگرایان اعتدال‌گرا مثل هاشمی رفسنجانی کمتر به جناح اپوزیسیون معتدل خارج
از کشور حمله می‌کنند..... یا اپوزیسیون سرنگونی طلب در خارج از کشور بیش از آنکه بخواهد
از رهبری و [آقای] مصباح‌یزدی انتقاد کند، دارد به اصلاح‌طلبان حمله می‌کند.» (رادپو فردا ، ۲۲
/۴/ ۱۳۹۵).

آنگونه که پیداست برجام حتی آرایش نیروهای سیاسی اپوزیسیون را هم برهم ریخته و این
در طول تاریخ جمهوری اسلامی کم نظیر است. دورانی که برخی نامش را "دوران سردرگمی
پس از برجام" گذاشتند. در عین حال اما هستند افرادی مثل رضا علیجانی از فعالان ملی -
مذهبی که همچنان معتقد باشند دسته بندی جناح‌های سیاسی به سیاق گذشته است: «در ظاهر
جریان اعتدالی قوی‌تر از گذشته شده اما در اساس فکر نمی‌کنم آرایش نیروهای سیاسی ایران از
آن دو گفتر اصول‌گرا و اصلاح‌طلب خارج شده باشد.» (رادپو فردا ، ۱۸ /۴/ ۱۳۹۵) این گروه
البته در اقلیت هستند. این مناقشه همچنان پای خود را در سیاست ایران نگاه می‌دارد. ایستگاه
بعدی احتمالاً انتخابات دوازدهم ریاست‌جمهوری در سال ۹۶ است. آن گونه که رضا علیجانی
می‌گوید: «من تصور می‌کنم در یک سال آینده این نزاع تشدید شود.» هر چه هست اما در سال
۹۵ ایام برای اعتدال‌گرایان به کام بود.

گفتمان‌های سیاست داخلی

اصلاح‌طلبی در اواسط دهه ۱۳۷۰ را باید ادامه جریان چپ اسلامی اوایل انقلاب دانست که
با تغییرات وسیع در اندیشه سیاسی و فرهنگی و حتی اقتصادی حیات سیاسی جدید خود را آغاز
کردند. البته، این جریان سیاسی را باید نماینده جریان اجتماعی خواستار اصلاحات در سطح
جامعه دانست که عموماً نیروهای آن را طبقه متوسط جدید شکل می‌داد. (بشیریه، ۱۳۸۷ : ۱۳۰)
اگر روشنفکر دینی را نیای فکری جریان اصلاح‌طلبی بدانیم، اما احیای دینی که ریشه در
اندیشه‌های سیدجمال الدین اسدآبادی، جلال آل احمد و تا حدودی علی شریعتی دارد، نزد طیفی
از اصولگرایان با گرایش‌های عدالت‌خواهانه هم هواخواه دارد. موج اول اصولگرایی را می‌توان به
عنوان دنباله فکری مشروعه‌خواهی بازتولید راست‌گرایی اسلامی در سال‌های پس از انقلاب

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
اسلامی تصور کرد. موج دوم آن نیز که ریشه در تحولات دوران سازندگی دارد، از تیرماه ۱۳۸۴ نوعی چپ‌گرایی را به میدان اصول‌گرایی آورد که موجب شد تا گفتمان اصول‌گرایی با دو طیف راست و چپ شناخته شود. در میان این دو گفتمان، گفتمان سومی سر برآورده است که ریشه در فضای دو قطبی سال‌های پس از انقلاب اسلامی دارد: گفتمان اعتدال با اتکاء به جریان نیروی سوم. این جریان در سال ۱۳۹۲ ذیل ائتلافی جدید شامل اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان از ریاست جمهوری حسن روحانی حمایت کرد.

اکنون که توضیح مختصری پیرامون سه گفتمان اصلی سیاست داخلی ایران بیان شد، طبق نظریه لاکلا و موف درباره این سه گفتمان در چند سطح بحث می‌کنیم.

• شناسایی فضای تخصص

گفتمان اصلاح طلب در سال ۱۳۷۶ خود را به عنوان «دگر» گفتمان اصولگرا معرفی کرد؛ همان گونه که گفتمان اصولگرا با «مفصل‌بندی جدید» و «قابلیت دسترسی» مقابل گفتمان اصلاح‌طلبی ایستاد و گفتمان اعتدال به واسطه «اعتبار» و نیز به واسطه ضعف گفتمان اصلاح‌طلبی خود را به عنوان رقیب اصلی گفتمان اصولگرا معرفی نمود.

• زمان و مکان

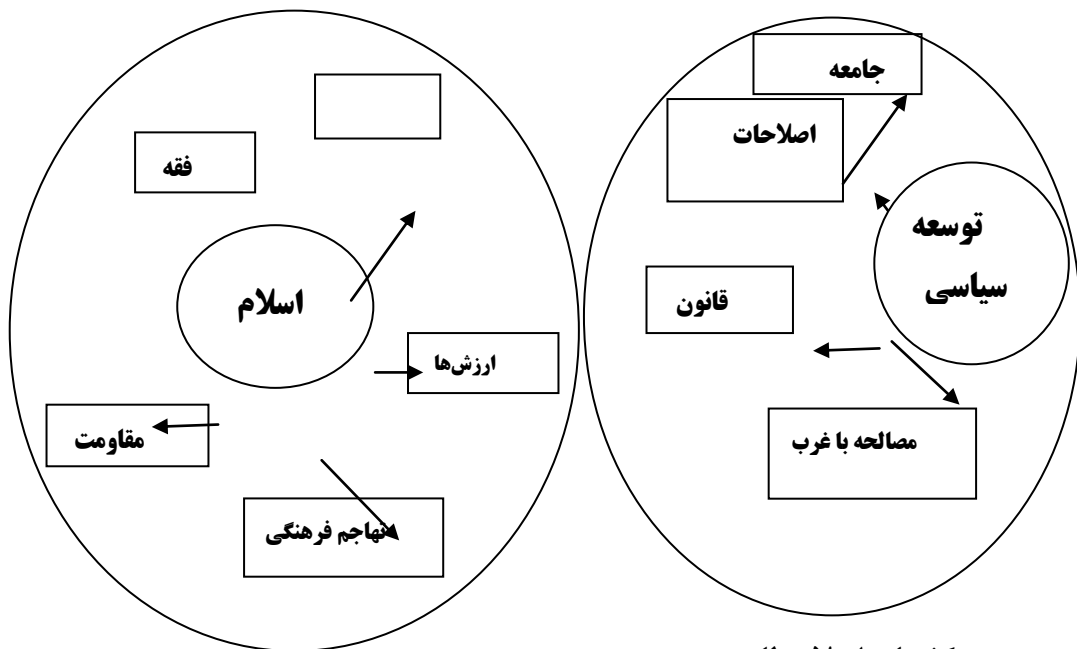
ابتدای دهه ۱۳۶۰ را می‌توانیم زمان تولد هر سه گفتمان مورد نظر بپنداریم؛ به نحوی که اصلاح‌طلبی متاخر در قالب چپ اسلامی، اصولگرایی متاخر در هیئت راست اسلامی و جریان اعتدال در سطح نخبگان و در قالب دولت سازندگی به حیات سیاسی پرداختند. در سال ۱۳۷۶ بود که مفصل‌بندی جدیدی از اصلاح‌طلبان را شاهد بودیم؛ همان گونه که در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ بود که با ظهور نواصول‌گرایی مواجه شدیم و تقریباً یک دهه بعد در سال ۱۳۹۲ گفتمان اعتدال سر برآورد.

• دال مرکزی و دال‌های شناور

این سه گفتمان براساس تغییر و تحولات فراوان از ابتدای انقلاب تاکنون تقریباً به تثبیت رسیده‌اند. گفتمان اصلاح‌طلبی در اواسط دهه ۱۳۷۰ به واسطه «قابلیت دسترسی»، به عنوان

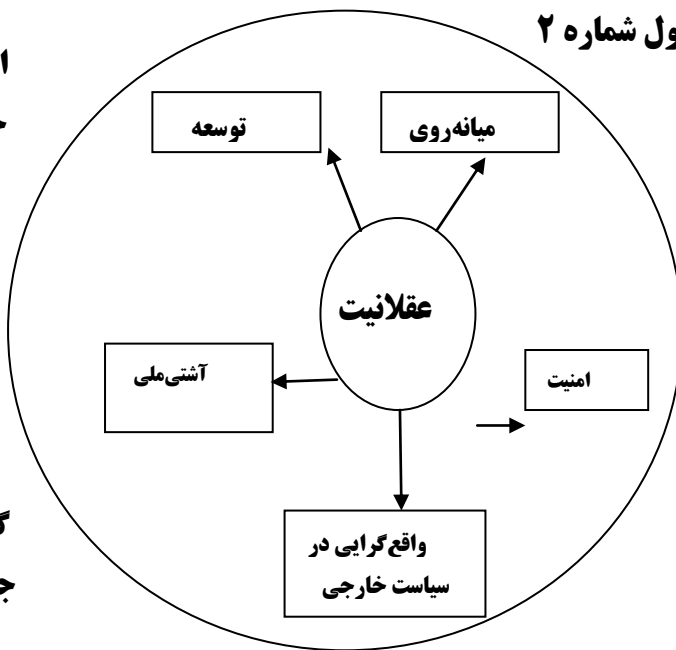
_____ بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ◊

تنها ساخت منسجم در انتخابات ریاست جمهوری هفتم به پیروزی رسید. در عین حال، هماهنگی این گفتمان با گروه‌های اجتماعی حامی‌اش «اعتبار» آن را پدید آورد و این پیروزی به گفتمان مزبور در فضای سیاسی کشور «هژمونی» داد. دال مرکزی این گفتمان «توسعه سیاسی» است و دال‌های شناور آن که در مفصل‌بندی جدید با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب شده و معنا یافتند، عبارت بودند از: اصلاحات، جامعه مدنی، قانون و مصالحه با غرب. گفتمان اصول‌گرا در اوایل دهه ۱۳۸۰ توانست دال شناور عدالت را جذب کند و به آن معنا دهد و این مفهوم را در مقابل الیگارشی‌ها و فسادهای ساختاری به نفع مستضعفین بسازد. دال مرکزی گفتمان اصول‌گرایی «اسلام» بود و دال‌های شناور آن عبارت بودند از: عدالت، تهاجم فرهنگی، مقاومت، ارزش‌ها و فقه. گفتمان اعتدال نیز در سال ۱۳۹۲ توانست از بحرانی که در سال ۱۳۸۸ برای گفتمان اصلاح‌طلبی پیش آمده بود، استفاده کند و دال‌های شناور آن گفتمان را در یک مفصل‌بندی جدیدی قرار دهد و با زنجیره هم‌ارزی معنای مطلوب خود را به آن دهد. دال مرکزی این گفتمان عقلانیت است و دال‌های شناور آن عبارتند از: امنیت ملی، توسعه، میان‌روی، آشتی ملی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی. جداول شماره ۱ تا ۳ نمایی از دال‌های مرکزی و شناور سه گفتمان را نشان می‌دهند.



**گفتمان
اصول‌گرایی
جدول شماره ۱**

**گفتمان اصلاح‌طلبی
جدول شماره ۲**



**گفتمان اعتدال
جدول شماره ۳**

• منازعات معنایی و محتوایی

هر یک از سه گفتمان مورد نظر در حوزه اندیشه و نظریه چه می‌گویند؟ با گفتمان اصول‌گرایی آغاز می‌کنیم. اصول‌گرایان در فلسفه سیاسی معتقد به برقرار کردن حکومت اسلامی در عصر غیبت می‌باشند و حق حکومت در این دوران را متعلق به فقیه عادل می‌دانند که مشروعیت خود را از امام زمان (عج) می‌گیرد و مقبولیت وی به واسطه مجلس خبرگان که از آرای مردم برآمده است، تضمین می‌شود. اصول‌گرایان نسبت به غرب بسیار بدبین هستند و ضمن نقد فلسفه غرب اساساً هژمونی آمریکا در سطح جهانی را نمی‌پذیرند؛ «می‌گویند که چون زورمان از همه بیشتر است، چون یک عده‌ای امکانات دارند می‌توانند اراده خود را بر جهان حاکم کنند؛ یعنی بر مبنای عدالت نیست ... چرا انقلاب اسلامی اهمیت دارد؟ چون در این فضا و در این جهان، مردمی ایستادند و این نظام را به چالش کشیدند و توانستند اراده خودشان را بر آن قدرت‌ها تحمیل کنند». (پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر جلیلی) این بخشی از گفته‌های سعید جلیلی از نواصول‌گرایان است که به صراحت از عدم پذیرش قدرت هژمون سخن می‌گوید. نسخه اصول‌گرایان برای مقابله با غرب مقاومت است.

«این تفکر ریشه در عدالت‌خواهی در عرصه سیاست خارجی از جانب اصول‌گرایان دارد. اگرچه عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری محور گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور است و دال متعالی عدالت به آن هویت می‌بخشد، ولی این دال و مفهوم کانونی در چارچوب اصول‌گرایی تعریف و ارائه می‌گردد. عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ناشی از اصلاح و بدعت در منظومه فکری، ارزشی و آرمان‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نیست بلکه نمود و تجلی بازگشت به یکی از اصول و ارزش‌های اولیه و بنیادی انقلاب اسلامی است.» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۳)

اصول‌گرایان به طور خاصی به توسعه می‌نگرند. آن‌ها با توسعه غربی مخالفند، از پیشرفت سخن می‌گویند و در عین حال، پیشرفت را تنها به شرط عدالت مطلوب می‌شمارند. در زمینه توسعه اقتصادی بیشتر به مکتب وابستگی نزدیک‌اند و به شدت نسبت به نظریه نوسازی کلاسیک مرزبندی دارند و از پیشرفت بومی سخن می‌گویند. در این مقوله کلید واژه اصول‌گرایان استقلال خواهی است. همین نگرش استقلال خواهانه به عنوان فلسفه مقاومت، سنگ بنای رویکرد اصول‌گرایان به موضوع هسته‌ای را نیز می‌سازد. در عین حال، در عرصه عمل، آن‌ها همین نگرش را موجب افزایش قدرت منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای ایران می‌دانند. در زمینه

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

توسعه سیاسی، اصول گرایان اساسا با دو روایت نظم محور و مدرنیستی مخالفند و آن‌ها به جای واحد دولت - ملت از امت سخن می‌گویند. همچنین، اصلاح‌طلبان نسبت به فلسفه غرب همدلی دارند و به سنت روشنفکران مذهبی جمع میان امر دینی و امر مدرن را ممکن می‌شمارند. نوشته‌های سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران، شاهدهی بر همدلی آنان با توسعه مدرنیستی است. (خاتمی، ۱۳۷۷: ۲۸۵)

اصلاح‌طلبان در زمینه سیاست خارجی موافق برقراری ارتباط با آمریکا، همکاری با غرب و تاکید بر واحد دولت - ملت به جای نگرش به جهان اسلام هستند و بیشتر بر مردم‌سالاری دینی و اصلاحات به جای قدرت سخت در سطح منطقه تاکید می‌کنند و از تنش‌زدایی می‌گویند. این گونه است که برای اصلاح‌طلبان افزایش قدرت نظامی ایران در منطقه در اولویت نیست و در عوض، حرکت به سمت شاخص‌های توسعه سیاسی اهمیت می‌یابد: «باید توجه داشت که در جهان امروز تنها راه رشد و توسعه پایدار اقتصادی و تکنولوژیک برای کشوری نظیر کشور ما، تعامل و اعتمادسازی در عرصه خارجی و پذیرش مردم‌سالاری دینی در عرصه داخلی است.» (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۴)

در اوایل دهه ۹۰ شمسی، در میانه دو گفتمان کاملا غیریت‌ساز و دگرآفرین گفتمانی سر برآورد که همواره در طول سه دهه گذشته ذیل دو گفتمان اصلی می‌زیست؛ گفتمان اعتدال. تنها در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بود که گفتمان اعتدال در خلاء اصلاح‌طلبان توانست رقیب گفتمانی اصول‌گرایان شود و با اتکای فراوان به حل مساله هسته‌ای ایران، بهبود رابطه با غرب، مهار نابسامانی‌های اقتصادی و بازگشت آرامش به کشور اقبال مردم را کسب کند. در حوزه توسعه اقتصادی، گفتمان اعتدال ضمن اعتقاد به نوسازی کلاسیک، در عمل به دنبال موج دوم نظریه‌های وابستگی مانند مدل اقتدارگرایی بوروکراتیک و حتی توسعه وابسته است.

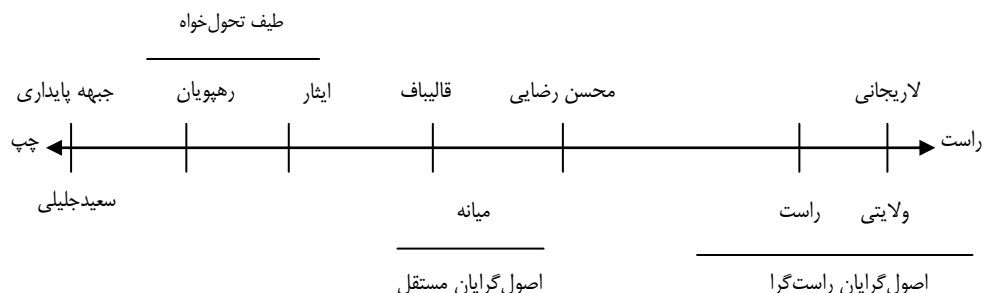
در زمینه توسعه سیاسی، اعتدال‌گرایان به روایت امثال هانتینگتون معتقدند و راه رسیدن به دموکراسی را از توسعه اقتصادی می‌دانند. در امنیت ملی طرفدار امنیت جامعه محورند، حال آنکه در سیاست خارجی مخالف آرمان‌گرایی و طرفدار همکاری با غرب هستند و در عین حال، مانند اصول‌گرایان قدرت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را برای کشور مطلوب می‌دانند، اما اولویت را به توسعه اقتصادی و همکاری با نظام بین‌الملل می‌دهند. گفتمان اعتدال‌گرا در اقتصاد مخالف توزیع مجدد درآمد و به دنبال سیاست‌های توسعه‌ای است و در مباحث دینی، هوادار نوعی نوگرایی دینی یا همان اجتهاد است که درون فقه صورت می‌گیرد و با روشنفکری دینی که

_____ بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ◊
بیرون از فقه را مراد می‌کند، تفاوت دارد.

دیپلمات‌هایی از گفتمان‌های مختلف

اکنون نوبت آن است که عملکرد دیپلمات‌های درگیر در مذاکرات هسته‌ای براساس اندیشه‌های جریان‌های مذکور تبیین شود تا فرضیه مقاله اثبات گردد. به همین منظور لازم است تا ابتدا به صورت تحلیلی کمی از گرایش‌های مذاکره‌کنندگان هسته‌ای بحث شود. احتمال رفتن پرونده ایران به شورای امنیت و نیاز به حضور فردی که مورد اعتماد توأمان حاکمیت و دولت باشد، موجب تغییر ساختار این پرونده در داخل کشور گردید و در نهایت، حسن روحانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی مدیریت این پرونده را به عهده گرفت. البته، دیپلمات‌های تیم روحانی اکثراً بوروکرات منش بودند و کمتر جناحی محسوب می‌شدند، ولی گرایش‌های عمده آنان نزدیک به طیف میانه‌رو بود. اما پس از پایان دولت سید محمد خاتمی و دوره احمدی‌نژاد، دو طیف از اصول‌گرایان ریاست پرونده هسته‌ای را به عهده گرفتند. یکی علی لاریجانی از طیف راست اصول‌گرایان و دیگری سعید جلیلی از طیف چپ اصول‌گرایان. اصول‌گرایان راست‌گرای هم‌چون علی لاریجانی معتقدند که ضمن انتقاد به نظام بین‌الملل باید در همین ساختار از کشورهای مختلف امتیاز گرفت، اما چپ‌گرایانی مانند سعید جلیلی به ماهیت آنارشیک روابط بین‌الملل براساس نظریات رئالیستی اشاره دارند و در نظر و عمل، سر‌سازگاری با هژمونی آمریکا را ندارند. به عبارتی، اگر اصول‌گرایان راست معتقد به بازی برد - برد و با حاصل جمع مثبت طبق نظریات نورئالیستی هستند، اما اصول‌گرایان چپ‌گرا معتقد به بازی برد - باخت و با حاصل جمع صفر براساس تئوری رئالیسم‌اند و بر همین اساس، رویکرد سخت‌گیرانه در مذاکرات را مدنظر قرار می‌دهند. علی لاریجانی و حسن روحانی را می‌توان فصل مشترک مذاکرات هسته‌ای در نظر گرفت که در عمل، هر دو معتقد به تئوری‌های نورئالیستی بودند و نوعی محافظه‌کاری در عملکرد هر دوی آن‌ها دیده می‌شد؛ میراثی که سعید جلیلی، انقلابی‌گری و آرمان‌گرایی را جانشین آن کرد. دوره سعید جلیلی را باید دوره ایدئولوژیک شدن پرونده هسته‌ای نامید. یک سوی میز دشمنان ایران و سوی دیگر میز، ایران. نمودارهای شماره‌های ۴ و ۵، وضعیت طیف‌های مختلف جناح‌های سیاسی کشور را نشان می‌دهند.

طیف‌های مختلف اصول‌گرایی



طیف‌های مختلف اصلاح‌طلبی



در نهایت، با پایان دولت احمدی‌نژاد هم مساله هسته‌ای حل نشد و حسن روحانی با شعار حل آن پا به پاستور گذاشت. حسن روحانی که خود روزگاری بر رویکرد عمل‌گرایانه در پرونده هسته‌ای نظر داشت، پس از دوره مدیریت سعید جلیلی، از نقد ایدئولوژیک شدن این پرونده در مبارزات انتخاباتی استفاده کرد و مذاکره با آمریکا و غرب را به عنوان بخشی از گفتمان اعتدال مطرح کرد.

رویکرد دیپلمات‌ها به پرونده هسته‌ای

همان‌گونه که از گفتمان اصلاح‌طلبی بر می‌آید، این جریان سیاسی بیشتر به جنبه‌های نرم قدرت مانند افکار عمومی و جامعه تاکید دارد و به دنبال بالا آوردن مفاهیمی چون مردم‌سالاری دینی، اصلاحات و قانون و در نهایت، به منظور دستیابی به توسعه سیاسی شعار تنش‌زدایی در عرصه بین‌المللی را سر می‌دهد. پس طبیعی است که آن‌ها چندان میانه خوبی با مساله هسته‌ای

که موجب تنش در روابط ایران و غرب شده نداشته باشند. مهمترین تاثیر اصلاح‌طلبان در پرونده هسته‌ای مربوط به امضای پروتکل الحاقی می‌شد. حسن روحانی این گونه نظر اصلاح‌طلبان را روایت می‌کند: «آن‌ها (اصلاح‌طلبان) می‌گفتند برنامه هسته‌ای پرهزینه و برای امنیت ملی مخاطره‌آمیز است ... و لذا باید کنار گذاشته شود و یا حداقل به نحوی مدیریت شود». (روحانی، ۱۳۹۱: ۱۳۶)

اصلاح‌طلبان در آن دوران با غنی‌سازی هم موافق نبودند و براساس خاطرات دکتر روحانی حتی حملات تندی علیه سازمان انرژی اتمی نیز داشتند. آنان ورود به مقوله هسته‌ای را از سویی موجب به فراموشی سپرده شدن اولویت‌های داخلی چون توسعه سیاسی می‌دانستند و از سویی دیگر، این موضوع را موجب خدشه‌دار شدن تعامل دولت اصلاحات با کشورهای قدرتمند جهان قلمداد می‌کردند. نمونه مخالفت آن‌ها با برنامه هسته‌ای را می‌توان در بیانیه حزب مشارکت مشاهده کرد: «پیشنهاد می‌کنیم برای شکستن اجماع بین‌المللی و تا زمان خروج از بحران و آغاز دوباره روند اعتمادسازی، با بازگشت به سیاست‌های قبل، به صورت داوطلبانه کلیه فعالیت‌های مربوط به چرخه سوخت هسته‌ای کشور به حالت تعلیق درآید». (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵)

صادق زیباکلام که از مخالفان انرژی هسته‌ای به حساب می‌آید در این باره می‌گوید: «اشکال کار در فعالیت هسته‌ای از جایی شروع شد که نگاه‌ها به فعالیت هسته‌ای به نگاهی سیاسی و ایدئولوژیک تبدیل شد و فعالیت هسته‌ای به ابزاری جهت مبارزه با آمریکا تبدیل شد و محور انقلاب شد... اکنون چهره‌هایی که به شدت با توافقنامه ژنو مخالف هستند، آمریکا ستیز هستند و از سویی دیگر، موافقان توافقنامه ژنو به توسعه سیاسی اعتقاد بیشتری دارند» (خبرگزاری ایسنا، ۳۰ / ۲ / ۱۳۹۳). با عنایت به شواهد فوق اکنون می‌توان فرضیه مقاله حاضر در مورد اصلاح‌طلبان را ثابت کرد؛ اینکه اصلاح‌طلبان به دنبال تنش‌زدایی در مساله هسته‌ای برای تمرکز بر مساله توسعه سیاسی هستند.

اما در مورد اصول‌گرایان وضعیت متفاوت است. اصول‌گرایان براساس گفتمان خود که عزت مسلمانان و استقلال آنان در مقابل مستکبران را طلب می‌کند، معتقدند که داشتن فناوری هسته‌ای در جهت این استقلال و خودکفایی عمل می‌کند و از ایران قدرتی قابل اعتنا می‌سازد. به همین جهت، رویکرد اصول‌گرایان در مساله هسته‌ای کاملاً سرسختانه بود؛ خصوصاً عملکرد سعید جلیلی که نکته اصلی‌اش در طول مذاکرات چند ساله وارد نشدن به زمین بازی کشورهای غربی بود. و از همین جاست که می‌توان دوگانه مصالحه / مقاومت را در مساله هسته‌ای تصویر

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

نمود که در دو سوی آن، دو گفتمان اعتدال و اصول‌گرایی قرار داد. با این توضیح که در این میان گفتمان اصلاح‌طلبی ضمن لحاظ برخی تفاوت‌ها از گفتمان اعتدال حمایت می‌کند. با لحاظ این نکته اکنون می‌توان از خرده‌گفتمان مقاومت ذیل گفتمان اصول‌گرایی نیز سخن گفت؛ خرده‌گفتمانی که اساس مذاکره برای راضی کردن غرب را در موضوع هسته‌ای نفی می‌کند: «چند کشور برای خودشان این حق را قائل هستند که می‌توانند حتی سلاح هسته‌ای داشته باشند و از این سلاح استفاده کنند ولی بقیه نباید داشته باشند. این مناسباتی است که تعریف کرده‌اند». (پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر جلیلی، ۱۳۹۴) در عین حال، خرده‌گفتمان مقاومت معتقد است که مساله هسته‌ای برای غرب نقش یک بهانه را بازی می‌کند. بنابراین، این گفتمان اصلاتی برای این مذاکرات قائل نیست.

آنچه در مجموع از رویکرد اصول‌گرایان در برنامه هسته‌ای به دست می‌آید، می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. بخش اول که به مدیریت اصول‌گرایان راست‌گرا بر پرونده هسته‌ای به نمایندگی علی‌لاریجانی بر می‌گردد. دوره دوم، به آغاز کار سعید جلیلی باز می‌گشت: آغاز قدرت گرفتن خرده‌گفتمان مقاومت در پرونده هسته‌ای. در اندیشه اصول‌گرایان انرژی هسته‌ای به نماد مقاومت، غرب‌ستیزی و استکبارستیزی تبدیل شد و از دل این مذاکرات، از دامن گفتمان اصول‌گرایی نوعی چپ‌گرایی با خرده‌گفتمان مقاومت برون آمد.

آن‌طور که حسین موسویان روایت می‌کند: «در دوره روحانی، برنامه هسته‌ای ایران موضوعی حقوقی - سیاسی بود اما در دوره احمدی‌نژاد به واسطه ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل از سوی آژانس به موضوعی حقوقی - سیاسی - امنیتی تبدیل و سپس کاملاً امنیتی شد. (موسویان، ۱۳۹۴: ۴۰۷) این تعبیری است از سوی عضو ارشد و میان‌رو تیم روحانی درباره طیف چپ اصول‌گرایان.

اگر از دامن گفتمان اصول‌گرایی، خرده‌گفتمان مقاومت ضمن برتری دادن به این دال و معنا و مفهوم گرفتن از پس تحریم‌ها و تحولات منطقه‌ای پدید آمد، در سویی دیگر نیز خرده‌گفتمان مصالحه از دامن دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اعتدال به صحنه سیاست ایران وارد شد. این خرده‌گفتمان که پیش از دوران محمود احمدی‌نژاد نیز سابقه دارد، پس از دوران او و فترتی هشت ساله عصر دوم حیات خود را آغاز کرد. نگرش این خرده‌گفتمان به موضوع هسته‌ای که در طول دو دوره ثابت ماند، کاملاً متفاوت با گفتمان اصول‌گرایی به ویژه خرده‌گفتمان مقاومت بود. اصلاح‌طلبان حرکت به سمت فناوری هسته‌ای را برای ایران تنش‌زا می‌دانند، اما میانه‌روها

_____ بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ۵

تنها با ابعاد نظامی آن مخالفند و معتقدند که باید برای غرب در این مورد اعتمادسازی کرد. میانه‌روها سعی می‌کنند با وجود برخی نظرات در غرب وارد موضوع بازدارندگی نشوند: «داشتن سلاح هسته‌ای برای ایران نه امنیت ایجاد می‌کند و نه بازدارنده است. بالعکس، بزرگترین عامل خطر، ورود به بحث هسته‌ای به صورت نظامی است و معادلات استراتژیک جهان و منطقه را بهم می‌ریزد». (راجی، ۱۳۹۲: ۲۳۶)

در دوره اول فعالیت این جریان، ذیل گفتمان اصلاحات حسن روحانی با این اعتقاد که دیپلماسی می‌تواند یک بازی برد - برد باشد، مدیریت پرونده را به عهده گرفت؛ «دیپلماسی همین بده بستان است، منتهمی باید نتیجه این معامله به گونه‌ای باشد که منافع ملی کشور را تامین کند». (روحانی، ۱۳۹۱: ۱۴۱) او در نهایت توانست با تروئیکای اروپایی به یک بیانیه مشترک دست یابد؛ بیانیه‌ای که حکم به تعلیق غنی‌سازی می‌داد و بعدها عامل اصلی انتقاد به روحانی و همکارانش شد و او در مقابل حمله مخالفانش، دستاورد مذاکراتش را نرفتن پرونده ایران به شورای امنیت و عدم حمله نظامی آمریکا به ایران عنوان کند.

دوره دوم حضور میانه‌روها در پرونده هسته‌ای، به پس از هژمون شدن گفتمان اعتدال بازمی‌گردد. این بار حسن روحانی پرونده هسته‌ای را به محمد جواد ظریف سپرد. ماموریت او دستیابی به توافق جامع با گروه ۵+۱ بود؛ به نحوی که از سوی ساختار برنامه هسته‌ای ایران حفظ شود و از سوی دیگر، ضمن خروج پرونده ایران از شورای امنیت تحریم‌ها علیه ایران پایان یابد. دکتر ظریف موضوع هسته‌ای را بحران غیرضروری توصیف می‌کرد؛ برخلاف خرده گفتمان مقاومت که مساله هسته‌ای را کاملاً ایدئولوژیک می‌نگریست و نمادی از مبارزه جبهه مقاومت با غرب تصویر می‌کرد، دکتر ظریف دست یافتن به توافق هسته‌ای را به عنوان پایان بحران غیر ضروری در نظر می‌گرفت. شیوه کار میانه‌روها در دوره دوم فعالیتشان تفاوت بزرگی با دور اول داشت؛ مذاکره با آمریکا. به همین واسطه، محمد جواد ظریف تابوی مذاکره ایران با آمریکا را شکست و ساعت‌ها با جان کری وزیر خارجه آمریکا مذاکره کرد. نکته مهم دیگر در مذاکرات ظریف، تاکید فراوان او بر معامله برد - برد بود که بیشتر از دوره اول بر آن تاکید می‌شد؛ تاکیدی که به طور تلویحی از تعهد این تیم به ساختارهای نظام بین‌الملل پرده برمی‌داشت و امنیت ملی را در همکاری با این ساختار تعریف می‌کرد. دستاورد میانه‌روها نیز در نهایت به توافق جامع ختم شد تا پایانی باشد بر مناقشه هسته‌ای ایران و غرب.

مساله هسته‌ای در ایران شکل جدیدی به آرایش نیروهای سیاسی داده است. گفتمان‌های

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

آنان را شفاف تر کرده، عملکرد آنان را به میدان قضاوت آورده و افکار عمومی را تحت تاثیر خود قرار داده است. از گفتمان اصلاح طلبی که طرفدار تنش زدایی است و مساله هسته‌ای را موجب رانده شدن موضوع توسعه سیاسی در ایران می‌داند تا گفتمان اعتدال که به دنبال اعتمادسازی و همکاری با نظام بین الملل برای حل مساله هسته‌ای و دستیابی به توسعه است و همچنین، گفتمان اصول‌گرایی با خرده گفتمان مقاومت که مساله هسته‌ای را میدان مبارزه با غرب و موجب اقتدار ایران در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌داند.

آنچه از مقاله حاضر می‌توان در صحنه سیاست داخلی ایران استنباط کرد، خارج شدن خرده گفتمان مقاومت به صورت تقریباً نسبی از گفتمان اصول‌گرایان است؛ به نحوی که مساله هسته‌ای انگار میان طیف چپ و راست اصول‌گرایی شکافی بزرگ درست کرده باشد؛ در سویی سعید جلیلی و جبهه پایداری و جمعیت رهپویان و در سویی دیگر، علی لاریجانی و علی اکبر ولایتی و برخی تشکل‌های راست‌گرا. در این میان، هر چه زمان به جلوتر می‌رود، شکاف دلاور/دلواپس یا برجامیان / نابرجمیان سامان بهتری می‌گیرد و فرصت برای تصمیم‌گیری برخی از اصول‌گرایان راست‌گرا کمتر می‌شود. به نظر می‌رسد که چاره‌ای نیست و گریزی از این دوگانه یافت نمی‌شود. شاید نوبت آن باشد که «چپ» و «راست» جدید در صحنه سیاست تعریف شود. چپ‌گرایان ضدغرب، ضدسرمایه داری و ضدامپریالیسم به مثابه اپوزیسیون دولت یازدهم عمل کنند و جناح راست سیاست ایران ذیل ائتلاف راست مدرن و راست سنتی با دال‌هایی مانند «توسعه»، «عقلانیت»، «مصالحه» و با اندیشه دفاع از اقتصاد آزاد جای خود را در سیاست ایران بیابد. در غیاب اصلاح‌طلبان در قدرت رسمی، جناح راست فرصت بی‌نظیری برای تثبیت میانه‌روی دارد. شاید تعبیر عباس عراقچی تعبیر مناسبی باشد که انتخابات مجلس در سال ۹۴ بین برجامیان و نابرجمیان بود (هفته‌نامه مثلث، ۱۳۹۴/۱۲) که گفته‌های او را کاظم جلالی کامل می‌کند که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ هم رقابت میان برجامیان و نابرجمیان است. (روزنامه نوآوران، ۹/۶/۱۳۹۵) انگار برجام خط‌کشی جدید سیاست ایران است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا رابطه گفتمان‌های متفاوت داخل ایران با عملکرد آن‌ها در حوزه هسته‌ای که در مذاکرات اتمی قابل مشاهده بود، سنجیده شود. فرضیه مقاله به گونه‌ای تدوین شد که میان اندیشه‌های هر یک از جناح‌های اصلی سیاست ایران با رویکرد و عملکرد آن‌ها در

_____ بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ♦

زمینه دیپلماسی هسته‌ای ارتباط برقرار شود و نشان داده شود که چگونه گفتمان اصلاح طلبی به واسطه تنش‌زدایی و پرداختن به مقوله توسعه سیاسی موافق امضای پروتکل الحاقی بوده است و گفتمان اصول‌گرایی نیز به واسطه اعتقاد به مبارزه با غرب و قدرت یافتن ایران در سطح منطقه به دنبال توسعه فناوری هسته‌ای و رویکرد سرسختانه در این حوزه بود. همچنین، در میانه این دو جناح، گفتمان اعتدال به حفظ فناوری هسته‌ای و در عین حال، اعتمادسازی درباره برنامه نظامی هسته‌ای معتقد است و به منظور دستیابی به هدف توسعه اقتصادی حاضر به انجام مذاکره برد - برد با غرب می‌باشد.

به منظور آزمون فرضیه، پس از اشاره به چند نظریه، ابتدا گفتمان‌های متفاوت با به کارگیری نظریه لاکلا و موف بررسی شد و سپس، ضمن توضیح طیف‌های مختلف در عرصه سیاست ایران، ابتدا از رویکرد آن‌ها به مساله هسته‌ای سخن به میان آمد و در نهایت، با ارائه عملکرد آن‌ها در حوزه دیپلماسی هسته‌ای، میان گفتمان آن‌ها و کردارشان مقایسه انجام شد. در نهایت اینگونه نتیجه‌گیری شد که مناقشه هسته‌ای موجب تولد برجامیان / نابرجامیان به جای چپ و راست در سیاست ایران گردید به نحوی که بسیاری از اصول‌گرایان نزدیک به طیف محافظه‌کار برسر برجام همراه با دولت و طیف اعتدال شدند و از هم طیفی‌های سابق خود فاصله گرفتند.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

منابع:

الف: منابع فارسی

- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.
- پایگاه اطلاع رسانی دکتر جلیلی (drjalily.com)، چرا موضوع هسته‌ای ایران برای چند قدرت دنیا این قدر اهمیت دارد؟
- پایگاه اطلاع رسانی دکتر جلیلی (drjalily.com)، ۱۳۹۴
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه (hawzah.net)، ۱۳۸۴، اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی «۲»
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۱)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خاتمی، سید محمد (۱۳۷۷)، از شهر دنیا تا دنیای شهر، تهران: نشر نی
- خبرگزاری مهر (www.mehrnews.com)، ۱۳۸۵، بیانیه اسفندماه حزب مشارکت
- خبرگزاری ایسنا (www.isna.ir)، ۳۰ / ۲ / ۱۳۹۳، زیباکلام: فعالیت هسته‌ای بار سیاسی و ایدئولوژیک پیدا کرده است
- خبرگزاری فارس (www.farsnews.com)، ۱۴ / ۲ / ۹۳، گزارش کامل از "همایش دلواپسیم"
- خبرگزاری فارس (www.farsnews.com)، ۲۸ / ۸ / ۱۳۸۶
- دیپلماسی ایرانی (irdiplomacy.ir)، ۱۸ مرداد ۱۳۹۴، دفاع تمام‌قد مردان هسته‌ای از توافق وین.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- راجی، محمد مهدی (۱۳۹۲)، آقای سفیر، تهران: نشرنی.
- روحانی، حسن (۱۳۹۱)، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک
- روزنامه نوآوران، ۹ / ۶ / ۱۳۹۵، گفتگو با کاظم جلالی
- رادیو فردا (www.radiofarda.com)، ۱۸ / ۴ / ۱۳۹۵، سیاست داخلی و سردرگمی پس از برجام

_____ بررسی نسبت گفتمان‌های داخلی با دیپلماسی هسته‌ای ایران ۵

- رادیو فردا (www.radiofarda.com)، ۲۲ / ۴ / ۱۳۹۵، گفتگو با مهدوی آزاد
- سایت خبری فرارو (fararu.com)، ۲۰ / ۵ / ۱۳۹۲، انتقاد شدید روحانی از "مذاکره
هراسان"

- موسویان، سیدحسین (۱۳۹۴)، بحران هسته‌ای ایران، تهران: انتشارات تیسرا
- هفته‌نامه مثلث، اسفندماه ۱۳۹۴، گفت‌وگوی نگارنده با سیدعباس عراقچی

ب: منابع لاتین

- Milani, Abbas ,w(۲۰۱۰)),”the shah’s Atomic Dreams”,foreign policy,December ۲۹.
- Financial Times, June ۱،۲۰۰۶
- ElBaradei, Mohamed , w (۲۰۱۱), the Age of Deception , New York: Metropolitan Books .